

تحلیل زبان دعا

دکتر محمدجواد سلمانپور*

چکیده

زبان دعا از عناصر مشترک و مهم همه انسان‌ها و فرهنگ‌ها است و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ شیعی دارد. این زبان منشأ فطری و تاریخی به قدمت تاریخ انسان دارد و ترجمان دعای حقیقی بوده و ارتباط خاصی بین فقیر محض و غنی مطلق، خداوند متعال، برقرار می‌کند. حقیقت زبان دعا ویژگی‌هایی به این زبان بخشیده است که آن را از سایر زبان‌ها ممتاز کرده و به زبان عرفان نزدیک می‌کند. در این مقاله حقیقت زبان دعا مورد تحلیل قرار گرفته و ضمن بهره فراوان از ادعیه پیشوایان دین اسلام به ویژه ادعیه امام سجاده (ع) در صحیفه سجاده به ویژگی‌های زبان دعا اشاره شده است.

واژه‌های کلیدی: ۱- زبان دعا ۲- وجه بیانی وجودی ۳- صحیفه سجاده
۴- فقر محض ۵- غنی مطلق

۱. مقدمه

۱.۱. تاریخ زبان دعا همزاد تاریخ بشر

تاریخ دعا به پیدایش انسان و هبوط آدم (ع) باز می‌گردد. احساس نیاز، خواستن و ناتوانی از درون و برون همواره با انسان بوده و همین احساس از اولین احساسات و ادراکات آدمی بوده است، بنابراین انسان از آغاز پناه بردن به قدرتی لایزال را برای آرامش و بقای خود ضروری می‌دیده است. از همین رو تاریخ بشریت هرگز از توجه به مبدأ عالم و دعا به درگاه او خالی نبوده است. آیات قرآنی و روایات برخی دعاهای حضرت آدم و حوا را بعد از

* استادیار بخش الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز

هبوط بیان می‌کنند (۱۲، ج ۱، ص: ۱۲۵). همچنین از سایر انبیای الهی و امت‌های آنان دعا‌های فراوانی در آیات و روایات نقل شده است. همین دعا و نیایش‌ها سرآغاز فصلی خاص در فرهنگ و حیات بشریت بوده است (۴، ج: ۷).

تاریخ دعا دلیل روشنی است بر این که زبان دعا جزو لاینفک حیات انسانی است، حتی اگر انسان غرق در کفر و بت پرستی باشد، باز زبان دعا در مقطعی از زندگی وی زبان به بیان می‌گشاید.

۱.۲. زبان دعا استعداد نهفته در فطرت

در جای خود ثابت شده است که واقعیت مخلوق از جمله انسان چیزی جز فقر و نیاز به غنی مطلق نیست (۹، ج: ۲، ص: ۱۳۱ و ج: ۸، ص: ۱۱۰ و ۱۱، ص: ۱۳۹) و این فقر امری غرضی و موقت نبوده بلکه ذاتی و همیشگی است و فقر، فقیر و مفتقر به عین یکدیگرند. به بیان دیگر فقر عین تحقق ذات مخلوقات است و آنان عین ربط به خالقند و برای بودن جز رو به خالق داشتن و دریافت همیشگی فیض راهی دیگری وجود ندارد، بنابراین، چنین وجودی هرگز نمی‌تواند در حقیقت و ذات خویش از زبان دعا جدا باشد، اگر چه از این حقیقت غفلت بورزد، افزون بر این که انسان در اصل و اساس خلقتش با زبان دعا همواره در حال دعا است، همان‌گونه که دعای تکوینی بر سراسر عالم طنین انداز است. اکثر انسان‌ها در غوغای شهوت، قسوت و جهالت از بیان این زبان در درون خود غافلند، اما چنان که در تنگنای مصایب گرفتار شوند، غوغاها فرو می‌نشینند و حجاب‌ها کنار می‌رود و آویختگی فطری و فقر جلی خود را نمایان می‌سازد و در این هنگام انسان هوشیار شده و از سر اضطرار دست به دعا برمی‌دارد و به سوی او جوار می‌آورد و با تمام خلوص یا رب می‌گوید "و جاءهم الموج من کل مکان و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا الله مخلصین له الدین" (یونس/۲۲) "و ما بکم من نعمه فمّن الله ثم اذا مسکم الضر فإلیه تجثرون".

۱.۳. زبان دعا زبان مشترک تمام انسان‌ها

تاریخ دعا، منشأ فطری آن و تحلیل زبان دعا این حقیقت را آشکار می‌کند که زبان دعا زبانی جهانی و تنها زبان مشترک بین تمام انسان‌ها است و نیاز به آموزش ندارد. استعداد آن در تمامی آدمیان با همه اختلاف نژادها و مکان‌ها و زمان‌ها به طور مساوی نهفته است. التفات و توجه مهم‌ترین راه شکوفا و بالفعل شدن این استعداد است. و اگر رهبران بشری، به ویژه رهبران ادیان در خصوص دعا آموزش و تعلیماتی ارائه کرده‌اند برای آموزش زبان دعا نبوده است، بلکه برای توجه دادن و ملتفت کردن بشر به آن زبان و گویایی آن بوده است.

اشتراک زبان دعا بین تمام ملل و ادیان مهم‌ترین محور وحدت بشریت را به دست می‌دهد که می‌تواند زبان همدلی و همراهی تمام آدمیان در تمام اعصار قرار گیرد. زبان دعا مستحکم‌ترین بستر گفتگوی بین تمدن‌ها و ادیان است که تاکنون مورد غفلت بوده است. این نکته قابل توجه است که اگر امروزه بسیاری از آموزه‌های عرفانی در تمام ادیان واحد یا بسیار به هم نزدیک است و بیان مولوی در مثنوی مورد اقبال پیروان سایر ادیان به ویژه در اروپا و امریکا قرار گرفته به این جهت است که به نوعی آمیخته با زبان دعا است و زبان عرفان با زبان دعا قرابت دارد، بلکه همزاد آن است.

۲. حقیقت زبان دعا

۱.۲. زبان دعا وجه بیانی وجودی

زبان دعا از سنخ الفاظ و گویش که از صوت در فضای دهان پدید می‌آید نیست هم‌چنان‌که از سنخ نشانه‌ها و علائمی که مفاهیمی را القا می‌کند نیست، بلکه وجه بیانی وجود انسانی است که می‌تواند در تمام انسان‌ها با تمام اختلاف گویش‌ها و یا اختلاف فهم‌هایشان از نشانه‌ها، یکسان جریان یابد. در زبان دعا چون مخاطب در حقیقت خداوند متعال است، الفاظ موضوعیت ندارند، اگر چه وقتی دعا بر زبان سر جاری شود و در قالب الفاظ به پیشگاه خداوند عرضه گردد دارای تأثیر بیشتری است و از همین جهت پیشوایان دین اسلام سفارش کرده‌اند که خواستن و خواسته‌ها را از خدا به زبان آوریم و زبان دعا را با زبان سر به قصد استعمالی جدی ظاهر سازیم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: "إن الله تبارک و تعالی يعلم ما یرید العبد اذا دعاه و لکنه یحب أن تبث الیه الحوائج فإذا دعوت فسم حاجتک ... (۱۶، ج: ۴، ص: ۲۲۵).
اساساً الفاظ شفاهی یا کتبی و نشانه‌ها زمانی در زبان موضوعیت پیدا می‌کنند که مخاطب به غیر از الفاظ گوینده راه دیگری برای فهم و درک نیت و مقاصد متکلم یا شهود وجه بیانی وجود او نداشته باشد.

۲.۲. زبان دعا واقعیتی فراتر از زبان عرفی

برای درک بیشتر زبان دعا ناچار به تحلیل زبان عرفی و مقایسه زبان دعا با آن هستیم. در زبان عرفی گاهی کلمات و الفاظ بی‌آن که ریشه در ذهن و قصد گوینده داشته باشند از دهان خارج می‌شوند و متکلم اساساً اراده استعمالی ندارد، درست مانند انسان خواب یا هازل و ساهی که سخن بر زبان می‌رانند. در این مرحله، هرگز آن الفاظ را نمی‌توان زبان نامید و این قبیل الفاظ افاده معنایی که بتوان آن را به متکلم نسبت داد نمی‌کنند. در مباحث زبانشناسی دانش اصول فقه، فهم معانی الفاظ در این مرحله را دلالت تصویری

می‌نامند (۲۰، ج:۳، ص: ۱۴۰ و ج:۴، ص: ۷۱۶). بدون تردید این نحوه درخواست نمودن هرگز دعا نیست. شاید دعای الهی در فرمایش امیرالمؤمنین (ع) که فرمود: "إذا دعا أحدكم للمیت فلا يدعو له و قلبه لاه عنه و لكن لیجتهد له فی الدعاء" (۱۶، ج:۴، ص: ۲۲) را بتوان حمل بر همین مرحله از دعا نمود.

مرحله دوم زبان هنگامی شکل می‌گیرد که الفاظ ریشه در معانی ذهنی داشته باشند و گوینده در حین تکلم به معنای آن هوشیار باشد و قصد آن معانی و الفاظ نماید و اراده استعمالی داشته باشد. این مرحله همان زبان عرفی است و در نزد دانشمندان اصول فقه به دلالت تصدیقی مشهور است (۲۰، ج:۳، ص: ۱۴۰ و ج:۴، ص: ۷۱۶). برای ارتباط با دیگران و برقرار شدن مفاهمه همین معنای ذهنی قصد شده از الفاظ کفایت می‌کند و مخاطب می‌تواند معانی ظاهری الفاظ گوینده را به وی نسبت دهد. این معانی ذهنی گوینده ممکن است ریشه در قلب هم داشته باشد، همان‌گونه که می‌تواند با قلب گوینده هیچ ربطی نداشته باشد و توجه قلبی به معانی نباشد. این نحو دعا کردن نیز دعای حقیقی نخواهد بود و داعی فقط با زبان عرفی دعا می‌کند و فاقد زبان دعا است و در لسان روایات به دعای غافل یا ساهی معروف است.

فراتر از اتکای الفاظ به معانی ذهنی که در زبان عرفی لازم است، مرحله دیگری وجود دارد که وجود عینی معنی در نفس حاضر است و بیان با اتکا به وجود عینی معنا و نه وجود ذهنی شکل می‌گیرد. در این مرحله ابتدا زبان دعا که نزدیک به زبان عرفان است محقق می‌شود و سپس ممکن است با الفاظ مأنوس عرفی بر زبان سر هم جاری شود در حالی که نمی‌تواند عین وجودات معانی را به عموم مخاطبان بشری القا نماید، لذا مخاطبان بشری از الفاظ آن ادعیه در حد وسع خود سلسله‌ای از معانی را فهم می‌کنند. در این نحوه بیان انسانی، وجود عینی معنا و نه وجود ذهنی آن، قبل از حضور در نزد نفس انسان در نزد خداوند متعال حاضر است "إن الله یحول بین المرء و قلبه" (انفال/۲۴)، لذا وقتی دعا به معنای از "حضور وجود عینی درخواست"، حتی قبل از توجه انسان به وجود خواسته خود، باشد، خداوند متعال از آن آگاه است. همان‌گونه که زبان دعا در انسان فراتر از زبان عرفی است و اساساً نیازی به تکلم ندارد، دعای تکوینی انسان نیز به الفاظ نیازمند نیست.

بر اساس آیات قرآن خداوند متعال تمام حوایج انسانی را که تکویناً مورد نیاز و خواست انسان است و بسیاری از مهماتی که راحتی وی در آن‌ها بوده و مطلوب او است، قبل از این که انسان به آن‌ها توجه کند، به وی عطا نموده و در قرآن کریم اعطای آن نعمت‌ها و نیازهای حیاتی را متفرع بر دعا و مسألت انسان نموده، در حالی که چیزی به عنوان دعا و مسألت به زبان عرفی به آستان پروردگار نیاورده و عرضه نداشته و اساساً بدان هوشیار نبوده

تحلیل زبان دعا ۲۵

است " ... و اتاکم کل ما سألتموه و إن تعدوا نعمه الله لا تحصوها " (نحل/۱۸) " ... و لم أخل فی الحالات من امتنانک ... " (۷، دعای ۱۲، ص: ۶۷). البته اگر در اثر عارضه‌ای یکی از آن نعمت‌های حیاتی و ضروری زندگی از انسان سلب شود، وی متوجه آن مهم شده و از خداوند عطای دوباره آن را می‌خواهد.

از همین رو دعا ذاتاً نیاز به زبان عرفی و به زبان سر جاری کردن ندارد. علی(ع) در مناجات شعبانیه این حقیقت را چنین بیان نموده است " ... و تعلم ما فی نفسی و تخیر حاجتی و تعرف ضمیری و لایخفی علیک امر منقلبی و مثنوی و ما ارید ان أبدئ به من منطقی و أتفوه به من طلبتی و ارجوه لعاقبتی ... " (۱۵، ص: ۲۶۸).

امام سجاد(ع) در ادعیه صحیفه بارها به این حقیقت اشاره نموده و آن را لازمه سنت افضال پروردگار معرفی می‌کند: " ... بل ملکیت یا الهی امرهم قبل ان یملکوا عبادتک و أعددت ثوابهم قبل ان یفیضوا فی طاعتک و ذلک ان سنتک الافضال ... " (دعای ۳۷، ص: ۱۶۷).

" ... یا الهی فلک الحمد من عائبة سترتها علی فلم تفضحنی و کم من ذنب غطیته علی فلم تشهرنی و کم من شائبة الممت بها فلم تهتک عنی سترها ... " (دعای ۱۶، ص: ۸۳).
" فکم یا الهی من کربة قد فرجتها و هموم قد کشفتها و عثرة قد اقلتها و رحمة قد نشرتها ... " (۱۵، دعای افتتاح).

۳.۲. غیر لفظی بودن زبان دعا

حقیقت زبان دعا از سطح لفظ بی جان خارج است و در مرتبه لفظ نیست، بلکه توجه به حضور عینی درخواست است، لذا یک "وجه وجودی بیانی" است که داعی را در ارتباطی وثیق با مدعو (خداوند متعال) قرار می‌دهد و واسطه یک جذب و إنجذاب معنوی است. فقیر علی الاطلاق را به غنی علی الاطلاق پیوند می‌دهد. از همین رو تمام دعا‌های حقیقی عبادت است "فسمیت دعائک عبادة" (دعای ۴۵، ص: ۱۹۹) و از طرف دیگر تمام عبادات نیز زبان دعا است. لذا سخن صاحب تفسیر المنار که گفته است هر عبادتی دعا نیست پنداری بیش نیست زیرا در حقیقت هر عبادتی زبان دعا نهفته است. حقیقت هر عبادت، وجه وجودی بیانی انسان است که با فقر خویش رو به غنی نموده و او را می‌خواند و از او طلب رفع فقر می‌نماید. ادله دیگری بر این حقیقت اقامه شده که از مجال این مقاله بیرون است (۱۰، ج: ۲).

۴.۲. غیر وضعی بودن زبان دعا

زبان دعا تکویناً ترجمان معانی دعا، خواسته و نیازند. بیان در آن زبان با معانی متحد و یکی است، نه این که الفاظ فانی در معنا یا آینه معانی باشند آن گونه که در زبان عرفی

است، لذا وضع و قرارداد که اساس زبان عرفی است (۵، ص: ۲۴) در آن راه ندارد و چنانچه زبان سر ترجمان زبان دعا شود و دعا به لفظ در آید قلب، ذهن و زبان سر با هم، هم سو می‌باشند و علاوه بر اراده استعمالی الفاظ و اراده جدی معانی الفاظ، عین وجود معنا نیز در نفس حاضر و نفس عین آن معنا است. زبان دعا در این هنگام به مرتبه زبان عرفی تنزل می‌کند به ناچار به شکل و جملات انشایی و طلبی ادا می‌شود، بنابراین، ظاهراً متصف به صدق و کذب نمی‌شود و فرض صدق و کذب و یقین، ظن و شک در آن راه پیدا می‌کند ولی چون مبتنی بر علم حضوری است، مصداقاً فقط متصف به صدق می‌شود و مبتنی بر یقین خواهد بود.

۲. ۵. وجدان و فقدان زبان دعا معیار دعای حقیقی و دعای مجازی

تحلیلی که درباره زبان دعا گذشت روشن می‌سازد که بسیاری از دعاها دعای حقیقی نیست، بلکه داعی و دعا مجازی است. دعای مجازی قابلیت استجاب ندارد و این راز عدم استجاب بسیاری از ادعیه مردم است. در حالات مختلفی داعی با زبان سر و الفاظ به دعا نشسته اما با زبان دعا از خداوند درخواست نمی‌کند مثلاً:

۱- داعی با زبان عرفی درخواست خود را به پیشگاه خداوند عرضه می‌کند اما خواست و خواسته‌اش حضور عینی در قلب ندارد. معانی خواسته‌هایش معانی و مفاهیم ذهنی و برآمده از علم حصولی است و نه علم حضوری. دعا در این صورت به حمل اولی دعا است اما به حمل شایع دعا نیست، زیرا وجه وجودی بیانی خواست و خواسته که همان معانی و زبان دعا است در نفس و قلب معدوم است. دعای چنین داعی‌ای فقط لقلقه زبان است و ترجمان ذهن متحد با معانی الفاظ است و نه ترجمان ذهن متحد با قلب و معنی!

رسول الله (ص) دعای چنین شخصی را به عنوان دعای غافل و امام صادق (ع)، دعای ساهی که شایستگی استجاب ندارد، معرفی کرده‌اند "و اعلموا ان الله سبحانه لا يستجيب دعاء من قلب غافل" (۱۳، ج: ۲، ص: ۲۹۴). قال الصادق (ع) "ان الله لا يستجيب دعاء بظهر قلب ساه فإذا دعوت فأقبل بقلبك ثم استيقن بالاجابه" (پیشین).

۲- در درون داعی زبان دعا وجود دارد و خواستی حضور وجودی یافته، اما به جهت فقدان توجه و محدودیت علم داعی آن را به وضوح نمی‌بیند، لذا با زبان عرفی چیزی مغایر خواسته‌اش به زبان می‌آورد و به پیشگاه خداوند عرضه می‌کند. یعنی آن‌چه با زبان سر می‌طلبید با آن‌چه با زبان دعا مسألت می‌کند مغایر است. نقل شده است که امیرالمؤمنین (ع) شنید که مردی می‌گوید: "اللهم إني اعوذ بك من الفتنة" حضرت به او فرمود: "اراک تتعوذ من مالک و ولدک! يقول الله تعالى: إنما أموالکم و اولادکم فتنة. ولكن

قل: اللهم إني أعوذ بك من مضلات الفتن". امام صادق (ع) می‌فرماید: "... و اعرف طريق نجاتك و هلاكك كيلا تدعو الله بشئ منه هلاكك و انت تظن فيه نجاتك" (پیشین). البته خداوند متعال از آن‌جا که استجابت را بر اساس امتنان قرار داده، در این موارد خواسته زبان دعا را مورد توجه قرار می‌دهد و نه دعای زبان عرفی و الا خلاف امتنان خواهد بود.

۳- گاهی داعی زبان دعا دارد اما در اثر عدم آگاهی یا عدم توجه به زبان عرفی و قواعد و دستور زبان، الفاظ را نادرست ادا می‌کند و بدین شکل زبان دعا با زبان عرفی مغایرت پیدا می‌کند. البته اعراب الفاظ دعا و صحت کلمات دعا در زبان عرفی شرط اجابت یا ترتب ثواب بر دعا نیست، اما شرط ادب حضور است و در نتیجه عالی‌تر مؤثر است. امام جواد (ع) فرمود: "... و دعائه اليه من حيث لا يلحن به منزلة مدح". این نوع دعا نیز دعای حقیقی نیست، زیرا حضرت در ادامه می‌فرماید: "ان الدعاء الملحون لا يصعد الى الله". اجابت دعا لطفی عظیم است و اجابت دعای ملحون خلاف این لطف است. فرمایش نبی اکرم (ص) نیز تأییدی بر این معناست که فرمود: "ان الرجل الأعجمي من امتي ليقرء القرآن بعجمته فترفعه الملائكة على عربيته" (۱۶، ج: ۴، ص: ۴۲۴).

۴- گاهی داعی با زبان عرفی دعا می‌کند و خدا را می‌خواند و از او مسألت می‌کند اما در درون او زبان دعا وجود ندارد، زیرا در حقیقت خدا را نمی‌خواند، در دل همه امید و نگاه به اسباب عادی یا اموری که توهم کرده در زندگی مؤثر است دارد، لذا با زبان سر خدا را می‌خواند اما با زبان دل اسباب و وسائط توهمی را می‌جوید (۱۰، ج: ۲). این نوع دعا نیز قابلیت استجابت ندارد و دعایی مجازی است.

امام سجاد (ع) لازمه دعای حقیقی را انقطاع کامل و اخلاص می‌داند "اللهم إني اخلصت بإنقطاعي اليك و اقبلت بكلي عليك و صرفت وجهي عمن يحتاج الي رفدك ... و رأيت أن طلب المحتاج سفه من رأيه ... فكم قد رأيت يا الهی من أناس طلبوا العز بغيرك فذلوا و راموا الثروة من سواك فافتقروا و حاولوا الارتفاع فاتضعوا ..." (دعای ۲۸، ص: ۱۳۷).

۳. ویژگی زبان دعا

۳.۱. زبان دعا مبتنی بر علم حضوری

تحلیل حقیقت زبان روشن می‌نماید که خواستن و خواسته‌ها در دعای حقیقی فقط مفاهیم و تصورات ذهنی نیست، بلکه حضور وجودی دارند و اگر زبان دعا با زبان سر متحد شود، الفاظ دعا متکی به مفاهیم ذهنی که محصول علم حصولی انسان است نیست بلکه محصول نیاز حقیقی است که حضور وجودی در جان انسان دارد.

۲.۳. زبان دعا مبتنی بر علم و یقین

وقتی زبان دعا مبتنی بر علم حضوری گردید، بیان آن مبتنی بر یقین واقعی است و نه یقین اعتقادی و یا ظن و گمان که احتمال خطا در آن می‌رود. انسان به خاطر قیود و محدودیت‌هایی که در علم حصولی دارد بسیاری از سخنانش متکی بر مفاهیم و معانی ظنی الفاظ است که در ذهن اندوخته است و از طرف دیگر در استخدام الفاظ برای بیان معانی و نیات ذهنی خود ممکن است دچار اشتباه گردد، چون ارتباط الفاظ و معانی از طریق علم حصولی به دست آورده، لذا نمی‌توان گفت زبان عرفی و یا زبان سر همواره مبتنی بر یقین و صدق است اما زبان دعا همواره مبتنی بر یقین است، چون معنی در واقع با زبان به نحو اتحاد حقیقی متحد و یکی است. در زبان دعا موضوع و موضوع له واحد است بنابراین وضع و اقسام وضع در آن راه ندارد.

این ویژگی در سراسر ادعیه ائمه اطهار(ع) و صحیفه سجادیه مشهود و جاری است و گاهی با صراحت این ویژگی زبان دعا بیان شده است. بسیاری از فقرات دعاهای ملفوظ ائمه اطهار(ع) ترجمان این مبنای زبان دعا است، لذا با کلماتی مانند رأیت (دعای ۲۸، ص: ۱۳۷) وجدت، علمت و ایقنت (دعای ۱۲، ص: ۶۷) که دلالت بر یقین و علم به خواسته و استجابت می‌کند، شروع می‌شود.

با توجه عمیق در ادعیه صحیفه سجادیه می‌یابیم که امام(ع) در هیچ کدام از فرازهای دعا شک و تردید ندارد و اساساً بوی ظن و گمان به مطالب و حوایجی که ابراز شده به مشام نمی‌رسد تا چه رسد به شک یا تردید، همان‌گونه که یقین به استجابت نیز در آن ادعیه موج می‌زند.

باید یادآور شد که تمام جملات ادعیه جملات طلبی و انشایی هستند که در ظاهر، صدق و کذب در آن‌ها راه ندارد، اما می‌توان همه آن‌ها را به جملات اخباری بازگرداند که حکایت از واقع و نفس الامر می‌نماید، لذا این ویژگی دچار چنین شبهه‌ای نمی‌شود که صدق و کذب چون در ادعیه راه ندارد، مقطوع یا مظنون بودن آن‌ها نیز بی معنی است، سید ساجدین(ع) می‌فرماید: "اللهم فهنا انا ذا قد جئتک مطيعا لامرك فيما امرت به من الدعاء متنجزا و عدك فيما وعدت به من الإجابة ... " (دعای ۳۱، ص: ۱۴۴).

۳.۳. زبان دعا ترجمان رتبه وجودی داعی

رتبه وجودی انسان امری تشکیکی است و مراتب قرب انسان‌ها و میزان فقر وجودی در نوع انسان سیال و متفاوت است. پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) در مرتبه وجودی‌ای قرار دارند که از جمیع فرشتگان بالاتر است و شدت وجود آنان در رتبه بعد از اطلاق وجود پروردگار قرار دارد و سایر ملائک و انسان‌ها در مراتب بعد از آنان هستند.

زبان دعا در رتبه وجودی انسان شکل می‌گیرد، لذا زبان دعا قبل از هر امری شدت و رتبه وجودی و میزان فقر داعی را نشان می‌دهد. لازمه این سخن این نیست که الزاماً داعی با زبان دعا و دعا‌های خود، رتبه وجودی خود را مشاهده و درک می‌کند. البته اگر بخواهد می‌تواند با تحلیل دعا و درک زبان دعا در وجود خود، میزان فقرش را به خدا دریابد. راز عظمت، شگفتی، عمق و حلاوت دعا‌های مأثوره ائمه اطهار(ع) و صحیفه سجادیه در همین نکته نهفته است.

دعا در ادعیه معصومین(ع) به معنی حقیقی بوده و زبان دعا در آن دعاها قبل از بیان هر نیازی تجلی رتبه وجودی و فقر آنان است. آنان در ادعیه به تمام وجود و شدیدترین مرتبه فقر ممکن انسانی ظهور و تجلی یافته‌اند، از همین رو در ادعیه معصومین(ع) سخن از "کلم الناس علی قدر عقولهم" مطرح نیست. آنان این اصل را در زبان عرفی آن هم با عموم مردم رعایت کردند و نه با خواص، اما در زبان دعا رعایت این اصل مشاهده نمی‌شود. البته این سخن به معنی عدم امکان استفاده عوام از دعا‌های معصومین(ع) نیست. امام سجاد(ع) می‌فرماید: "... و اقبلت بکلی علیک ... " با تمام وجود به تو روی آوردم (دعای ۲۸، ص: ۱۳۷).

۴.۳. زبان دعا ترجمان فطرت

فقر عین ذات و حقیقت داعی و غنا حقیقت مدعو، خداوند متعال، است، پس ذات و فطرت انسان بر فقر استوار شده است، لذا احساس فقر و نیاز احساسی فطری است. اساساً دعا رویکرد وجه وجودی بیانی فقیر به غنی مطلق و زبان دعا همین وجه وجودی است. این که فطرت انسانی فقط در پی طلب و جستن - خداجویی، حقیقت جویی، فضیلت طلبی، زیبا طلبی و ... - است به جهت این است که فطرت و ذات انسان عین فقر است و چون موضوع طلبها و جستن‌هایش را فقط در خدا می‌یابد و دعا نیز چیزی جز خواستن از خداوند متعال نیست، معلوم می‌شود که زبان دعا در واقع زبان فطرت و ترجمان آن است. تمام دعا‌های بدون استثنا و تمام درخواست‌ها از خداوند متعال آن‌گاه که حقیقی باشد به نحوی بیان همین فقر و نقص وجودی است که با رو نمودن وجهی از آینه فقر به سوی خداوند - غنی مطلق - رحمت الهی را می‌جوئیم که با انعکاس وجهی از ذات اقدس آن غنی در آن آینه، صفحه آینه فقر منقوش به وجهی از غنا گردد و تصویری مجازی و ظلی از غنا در آن منعکس گردد.

سراسر صحیفه سجادیه بیان رویکرد آینه فقر و انعکاس است. به بیان دیگر زبان دعا در آن صحیفه از طرفی بیان فقر وجودی داعی و از طرف دیگر شهود غنا به قدر سعه وجودی

داعی و از جهت سوم اظهار چگونگی ربط بین فقیر و غنی است. هر فقره از صحیفه سجادیه به طور ضمنی یا صریح یکی از این سه را بیان می‌کند.

امام سجاد(ع) در دعای ۱۳ چنین ظهور پیدا می‌کند: "اللهم یا منتهی مطلب الحاجات و یا من عنده نیل الطلبات ... تمحذت بالغناء عن خلک و انت اهل الغنی عنهم و نسبتهم الی الفقر و هم اهل الفقر الیک، فمن حاول سد خلته من عندک رام صرف الفقر عن نفسه یک ..." (دعای ۱۳، ص: ۷۱).

"... لک یا الهی وحدانیة العدد و ملکة القدرة الصمد ... و من سواک مرحوم فی عمره مغلوب علی امره مقهور علی شأنه ..." (دعای ۲۸، ص: ۱۳۸).

"... و بفقری إلیک و غناک عنی فإنی لم اصب خیرا قط الا منک و لم یصرف عنی سوء قط أحد غیرک ..." (دعای ۴۸، ص: ۲۴۳). "اللهم ... و زدنی الیک فاقه و فقرا ..." (دعای ۴۷، ص: ۲۳۶).

۳.۵. زبان دعا ترجمان عواطف

حقیقت دعا مبنی بر جذب و اینجذاب بین داعی و مدعو حقیقی است. هر بیانی در دعا محفوف به حب و شوق است و شمیمی از عشق با خود به همراه دارد، لذا در حقیقت زبان دعا عشق و حب نهفته است. اساساً زبان دعا پیام‌آور آن عشق است، بلکه خود زبان دعا عین شوق و عشق داعی است تا آن‌جا که مدعو نیز عشق خود را به داعی در زبان دعای داعی می‌گنجاند و بوی عشق خداوند به داعی از آن به مشام جان می‌رسد.

از همین جهت در نهاد هر فقره دعاها حضرت زین العابدین(ع) ندای حب، پیام عشق و بیان شوق آن حضرت(ع) به خدا نهفته و در عین حال بوی عشق خداوند متعال به امام سجاد(ع) نیز از آن فقرات به مشام جان می‌رسد. این بیان زبان دعا برای داعی حقیقی در حد سعه وجودی آنان آشنا و قابل شهود و درک است.

بر همین اساس می‌توان گفت، داعی که در دعای خود شوق و عشق نیابد و بوی عشق خدا به خود را استشمام ننماید داعی مجازی و دارای زبان دعا نیست.

باید توجه داشت این‌که با زبان دعا از خداوند عشق و شوق به خدا طلب کنیم "الهی أغرس فی أفئدتنا محبتک" (۱۹، ج: ۹۱، ص: ۱۵۳) با این حقیقت که نفس زبان دعا بیان عشق و شوق و مبتنی بر حب است، دو حقیقت مختلف است.

این ویژگی زبان دعا گاهی آن‌قدر صریح در ادعیه صحیفه سجادیه آمده که کسانی که با دعا و زبان دعا آشنایی ندارند احساس وجود مبالغه در ادعیه می‌کنند و حال آن‌که زبان دعا در اظهار عشق و شوق به خداوند هرگز مبالغه ندارد و اساساً مبالغه در زبان دعا راهی ندارد و مبالغه خاص زبان عرفی است.

تحلیل زبان دعا ۳۱

سید الساجدین(ع) در دعای خود می‌فرماید: " ... و لیس عذابی مما یزید فی ملکک مثقال ذره، و لو أن عذابی مما یزید فی ملکک لسألتک الصبر علیه و أحببت أن یکون ذالک لک ... خدایا! عذاب من چیزی نیست که ذره‌ای بر فرمانروایت بیفزاید و اگر چنان بود که عذابم در فرمانروایت می‌افزود از تو می‌خواستم که مرا بر آن شکیبیا سازی و دوست داشتم که آن بهره برای تو باشد (دعای ۵۰، ص: ۲۵۷).

"اللهم اجعل رغبتی فی مسألتی مثل رغبه اولیائک فی مسائلهم ... اللهم هذه حاجتی فأعظم فیها رغبتی" (دعای ۵۴، ص: ۲۶۹).

فقصدتک یا الهی بالرغبه ... فما أنا بأول راغب رغب الیک فأعطیته ... (دعای ۱۳، ص: ۷۲).

۳.۶. زبان دعا ترجمان قلب و دل

دعا فضای راه یابی به شهودات غیبی و مکاشفات اشراقی است و گاهی زبان دعا در داعی از آن افق و فضا سخن می‌گوید و از آن جا خبر می‌دهد. زبان دعا در این حالت با زبان عرفان نزدیک می‌شود (۲، ص: ۱۳۸). البته در این هنگام، اگر زبان دعا به زبان عرفی تنزل کرده و بر زبان سر جاری شود، بیان شهودی و کشفی زبان دعا را که اخباری است در قالب انشاء ابراز می‌کند، بنابراین، این قبیل ادعیه معصومین(ع) را با اندکی دقت می‌توان به جملات اخباری بازگرداند، در این صورت می‌یابیم که بیان عرفا رقیقه‌ای از این قبیل ادعیه‌اند.

در واقع زبان دعا در مواقعی تبدیل به زبان فوق عقل و زبان غیب می‌شود و بر اسرار نهفته در عالی‌ترین مقام وجود و امکان وصول به آن اشاره می‌کند و به وصول به آن مقامات راهنمایی می‌کند.

سید الساجدین(ع) در مناجاتی چنین ظهور می‌نماید: " ... الهی فاجعلنا من الذین ترسخت اشجار الشوق الیک فی حدائق صدورهم و اخذت لوعه محبتک بمجامع قلوبهم فهم الی اوکار الأفكار یاوون و فی ریاض القرب و المکاشفه یرتعون و من حیاض المحبه بکأس الملاطفه یکرعون و شرایع ... یعنی، خدای من! مرا از آن گروه قرار ده که نهال‌های شوق لقاییت در باغ دل‌هایشان سبز و خرم گشته و سوز محبت تو سراسر قلب آن‌ها را گرفته است، از آن رو آنان در آشیانه‌های افکار عالی انس نشیمن یافته و به باغ‌های مقام قرب و شهود می‌خرامند و از سرچشمه محبتت با جام لطف می‌آشامند و در جویبار صفا در آمده‌اند در حالی که پرده از مقابل چشم‌هایشان در افتاده و ظلمت شک و ریب از باطنشان زایل گردیده است. چقدر عشق به تو شیرین است و شربت قرب به تو گوارا! خدایا ما را از خاص‌ترین آشنایان و صالح‌ترین بندگانت قرار ده (۱۹، ج: ۹۱، ص: ۱۵۰ و ۱۵)، " ... یا

من أنوار قدسه لأبصار محبيه رائقة، و سبحات وجهه لقلوب عارفيه شائقة... " (۱۹، ج: ۹۱، ص: ۱۴۹).

زین العابدین(ع) در صحیفه سجادیه از افق غیب سخن می‌گوید: "... ثم سلک بهم طریق ارادته و بعثهم فی سبیل محبته لا یملکون تأخیرا عما قدمهم الیه و لا یستطیعون تقدم الی ما آخرهم عنه..." (دعای ۱، ص: ۳۰).
 "... الحمد لله الذی ركب فینا آلات البسط و جعل لنا أدوات القبض... " (دعای ۱، ص: ۳۴).

"... اللهم و حملة عرشك الذین لا یفترون من تسبیحك... " (دعای ۳، ص: ۳۹).

۳.۷. زبان دعا هم زیبا و هم ترجمان زیباترین حالات انسانی

زبان دعا علاوه بر این که به تنهایی خود از زیباترین واقعیات عالم انسانی است ترجمان حالت زیبای روحی و معنوی انسان است که چشم روشن را از تمام زیبایی‌ها منصرف و به خود مشغول می‌نماید. جالب این‌که، آن‌چه به عالم تکوین زیبایی می‌بخشد زبان دعای تکوینی است که سراسر موجودات پیوسته با آن سخن می‌گویند و خدا را تسبیح و سجده می‌کنند.

سید الساجدین(ع) می‌فرماید: "الهی... و زین لی التفرد بمناجاتک باللیل و النهار... خدایا... دعا و مناجات در حال تنهایی در شب و روز را برای من زیبا ساز" (دعای ۴۷، ص: ۲۳۳). یعنی زیبایی آن را برایم نمایان ساز.

۳.۸. زبان دعا آرامش بخش و ترجمان روان آرام

زبان دعا ابزار و دارویی آرامش بخش است، افزون بر این که از افق درونی متعادل و روانی آرام سخن می‌گوید.

سید الساجدین(ع) می‌فرماید: "... واجعل لی عندک مقیلاً أوی الیه مطمئناً... " (دعای ۴۷، ص: ۲۳۹) "... یا أنس کل مستوحش غریب... " (دعای ۱۶، ص: ۸۰).

اساساً آن‌چه بر دل انسان غم و ترس می‌نشانند و روان را نامتعادل و مضطرب می‌سازد سایه شوم تردید و شک است، لذا تنها با یقین و علم می‌توان ترس، غم و اضطراب را از درون زدود و راه‌های دیگر موقتی یا فرسایشی‌اند. "... واجعل قلبی واثقاً بما عندک... " (دعای ۴۷، ص: ۲۳۹) و چون انسان داعی در حال دعا با زبانی سخن می‌گوید که مبتنی بر یقین و علم است و در افق و فضای دعا تردید و شک راه ندارد، بر جان داعی آرامش مستولی است، لذا زبان دعا با افق دعا در یک آرامش بخشی دو سویه قرار دارد. چه زیبا سید الساجدین(ع) در مناجات المریدین می‌فرماید: "... و فی مناجتک روحی و راحتى و عندک دواء علتى و شفاء غلتى و برد لوعتى... و در مناجات تو خوشحالی و آسایش من و

در نزد تو داروی بیماری من و علاج تشنگی قلب و تسکین سوزش جان من است" (۱۹)، ج: ۹۱، ص: ۱۴۸ و ۱۵، ص: ۲۱۵).

۳.۹. لذت آفرینی زبان دعا

یکی از دلپذیرترین ویژگی زبان دعا لذت آفرینی و بهجت زایی آن را نهاد داعی است. این ویژگی نیز از خصیصه ذاتی زبان دعاست، لذا اگر داعی این لذت و بهجت در حین دعا احساس و شهود نکند، دلیل بر فقدان زبان دعا و مجازی بودن دعای او است.

فطرت انسان به دنبال لذات معنوی و متعالی است و جمیع لذات، حتی مادی، در حقیقت نوعی شهود، درک و احساس است که از طریق دل، عقل یا حواس به دست می‌آیند، و ورای این شهود، درک و حس، لذت واقعیت و معنا ندارد.

با عنایت به تحلیلی که از حقیقت دعا و زبان آن گذشت، بر اهل دقت پوشیده نیست که داعی در حال دعا در جذب و انجذاب و دریافت اشراقات غنی مطلق و انعکاس وجه حق متعال در آینه فقر وجودی خود است. آن چه این اشراقات و انعکاس‌ها را سبب می‌شود زبان دعا و وجه بیانی وجودی فقر داعی است و انعکاس و اشراق بالاتر از احساس و ادراک است که خود عین لذت و دلپذیری است.

از همین رو زبان دعا ذاتاً مطلوب جان آدمی بوده و در نظر اهل دقت، استجاب و اجابت فرع آن است. به بیان دیگر استجاب و اجابت در دعا طریقیست و پدید آمدن زبان دعا و خود دعا موضوعیت دارد، یعنی اجابت و استجاب در واقع راهی برای پدید آمدن زبان دعا و نیل به خود دعا است، اما افسوس که اکثر داعیان چون با زبان سر به دعا می‌نشینند و فاقد زبان دعا هستند استجاب و اجابت را مقصد و دعا را طریق تلقی نموده و از لذت دعا و لذت آفرینی زبان دعا محرومند.

از این حقیقت مهم‌تر این که دعا در نهاد داعی برای مدعو و باری تعالی نیز محبوب و لذت بخش است و همین راز جذب و انجذاب داعی و مدعو است، لذت خداوند از دعای ائمه هدی (ع) یکی از رازهای کثرت دعا و تضرع آن پاکان (ع) بوده و بسا آنان نظر به لذت دعا برای خود نیز نداشتند و در دعای خود لذت را برای خدا می‌جستند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: "إن المؤمن ليدعو الله عز و جل في حاجته، فيقول الله عز و جل أخرجوا اجابته شوقاً إلى صوته و دعائه ... چه بسا مؤمن، خداوند را برای حاجت خود می‌خواند و خدا دستور می‌دهد در اجابت او تأخیر کنید چون به صدا و دعای او اشتیاق دارم ..." (۱۶، ج: ۴، ص: ۲۴۶).

سید الساجدین (ع) در مناجات خود می‌فرماید: "الهي من ذا الذي ذاق حلاوة محبتك فرام منك بدلاً؟ و من ذا الذي أنس بقربك فابتغى عنك حولا ... ای معبود من کیست که

شیرینی محبت تو را چشیده باشد و آن‌گاه چیز یا کس دیگری را به جای تو مقصد و مقصود خودش بسازد و کیست که به قرب تو مأنوس گشته باشد و آن‌گاه از تو چشم پوشیده و در مقام طلب و جستجوی چیز دیگری بر آید؟ (۱۹، ج ۹۱، ۱۴۸). "فأنت لا غیرک مرادی و لک لا لسواک سهری و سهادی... " (پیشین).

باید یادآور شد که لذت آفرینی زبان دعا غیر از لذت آفرینی اجابت دعا توسط خداوند است "اللهم ... و أذقنی حلاوة المغفرة ... " (دعای ۱۶، ص: ۸۷).

۳. ۱۰. زبان دعا مبتنی بر نظام علیت محض نظام ربوبی

از آن‌جا که حقیقت دعا رویکرد حقیقی وجود انسان به سوی خداوند متعال و برابر قرار دادن آینه فقر وجودی با غنای وجودی حق متعال و طلب انعکاس آن وجود غنی در آینه وجودی خود بوده و زبان دعا وجه بیانی وجودی این رویکرد و طلب انعکاس است، زبان دعا در افق و فضایی داد بیان و سخن دارد که حقیقت علیت، سببیت و مؤثریت آشکار است، در حالی که بر فضای زبان عرفی نوعی مسامحه و پندار حکم‌فرما است، در نتیجه غالباً اسباب و وسایط مستقل پنداشته می‌شوند، اما در فضا و افقی که زبان دعا در آن به سخن و بیان می‌نشیند، هر چیز در حد و شأن خود دیده می‌شود و هرگز علیت، سببیت و مؤثریت در غیر خداوند و اسما و صفات او جسته نمی‌شود.

از همین رو بارزترین خصیصه دعاها (معصومین (ع) به خصوص صحیفه سجادیه این است که سببیت و مؤثریت را مستقیماً به اسما و صفات الهی منسوب می‌کنند. در زبان دعا، نظام ربوبی سبب و علت محض تمامی حوادث و حقایق کثرات این جهان معرفی می‌شود و اراده مطلق پروردگار در همه امور بدون واسطه ساری و حتمی فرض شده است.

از این جهت، عرفان نزدیک‌ترین مسلک به مکتب دعاست. در مسلک عارفان نیز قاعده علیت نیز معلول اراده حتمی خلق عالم و در طول خواست ربوبی تلقی می‌شود و هر چه در این عالم از کثرات مشاهده می‌شود تجلی یکی از شوئن حضرت رب الارباب به حساب می‌آید (۹، ج: ۲، ص: ۳۰۰ و ۸، ص: ۵۰ و ۱، ص: ۱۰۱ و ۱۷، ص: ۲۰۴ و ۱۸). از همین رو است که مکتب عرفان حقیقی نخست ریشه در ادعیه معصومین (ع) دارد و ناشی از زبان دعا است.

این ویژگی زبان دعا در سراسر صحیفه سجادیه منعکس است و سید الساجدین (ع) به طور صریح یا به طور ضمنی این حقیقت را ظاهر ساخته است که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود.

"... یا من لا تبدل حکمته الوسایل... " (دعای ۷۱، ص: ۱۳).

"...الحمد لله الذی خلق اللیل و النهار بقوته و میزبینهما بقدرته و جعل لكل واحد منها حدا محدودا ... حمد و ستایش از آن خدایی است که شب و روز را به قوت خود خلق کرد و با قدرت خود بین آن دو جدایی انداخت و برای هر یک اندازه‌ای معین قرار داد..." (دعای ۶، ص: ۵۱).

این بیان در حالی است که زبان عرفی شب و روز را ناشی از گردش زمین به دور خورشید و حرکت وضعی زمین معرفی می‌کند.

"... و خلق لكم اللیل لیسکنوا فیه من حرکات التعب... شب را خلق کرد تا در آن بیاسایند و خلق النهار مبصرا لیبتغوا فیه من فضله و لیتسببوا الی رزقه... روز را روشن آفرید تا از فضل خدا بهره برند و وسیله رسیدن روزی خداوند را به دست آورند ... و انزل علینا نفع هذه السحاب و برکتها و اصرف عنا اذاها و مضرتها ... خدایا برکت و نفع این ابرها را بر ما فرو فرست و آزار و زیان آنرا از ما دور گردان ... اللهم اذهب محل بلادنا بسقیاک و اخرج وحر صدورنا برزقک ... خدایا خشکسالی را از سرزمین ما ببر و بد اندیشی را از سینه‌های ما خارج نما ..." (دعای ۳۶، ص: ۱۶۴).

"... فصل علیهم و علی الروحانیین من ملائکتک و خزان المطر و زواجر السحاب ... و مشیعی الثلج و البرد و الهابطین مع قطع المطر اذا نزل و القوام علی خزاین ریح ..." (دعای ۳، ص: ۴۳).

امام (ع) هنگام نگاه به هلال ماه شب اول می‌فرماید: "... امننت بمن نور بک الظلم و اوضح بک الیهم و جعلک آیه من آیات ملکه و علامه من علامات سلطانه و امتهنک بالزیاده و النقصان ... ایمان آوردم به کسی که به وسیله تو تاریکی‌ها را روشنایی داد و آنچه را که به دشواری می‌توان یافت آشکار ساخت. تو را نشانه‌ای از نشانه‌های استیلای خود قرار داد... و فأسأل الله ربی و ربک خالق و خالقک و مقدری و مقدرک و مصوری و مصورک... (ای ماه) ... پس از خداوند که آفریننده من و تو، سرنوشت ساز من و توست و صورت آفرین من و تو است می‌خواهم..." (دعای ۴۳، ص: ۱۸۷).

۳.۱۱. زبان دعا مبتنی بر تضرع و اعتراف

شدت انابه و تضرع ائمه اطهار(ع) در حین دعا به ویژه سید الساجدین(ع) به راستی انسان را به شگفتی وادار و اعجاب هر ناظری را بر می‌انگیزد. راز این انابه و تضرع چیست؟ در حالی که آنان از گناه پاک و از رفیع‌ترین مرتبه وجودی عالم امکان برخوردار بوده‌اند؟

شاید راز مطلب در این نهفته باشد که آنان به تمام حقیقت داعی بودند و دعای آنان به تمام معنا دعای حقیقی بود، لذا زبان چنین داعی آکنده و محفوف به تضرع، گریه و انابه

است. اساساً وجه بیانی وجود فقیر محض وقتی فقر و نقص نامحدود خود را در قیاس غنی مطلق مشاهده می‌کند به وحشت می‌افتد و این وحشت با انعکاس غنی مطلق در آینه فقر وجودی داعی تبدیل به اشک، تضرع، زاری و انابه می‌شود، وحشت پایان یافته و دامنه تضرع وسعت می‌یابد، بنابراین از ویژگی ذاتی زبان دعا باید همین تضرع، انابه و گریه به حساب آورد و نتیجه گرفت که آن‌جا که داعی فاقد حال انابه و تضرع است در واقع فاقد زبان دعا بوده و فقط با زبان سر و به لسان عرفی داعی است، لذا دعا و داعی هر دو مجازی است.

ادعیه سید الساجدین(ع) و سایر ائمه(ع) آکنده از استغفارهای پی در پی، گریه‌های ممتد، اظهار عجزها و قصورهای زیاد، اقرارها و اعتراف‌ها به گناه، جهل، ناتوانی و ابراز نقص‌ها، فقدان‌ها و کوتاهی‌ها... است و این در حالی است که هیچ خردورزی به خود اجازه نمی‌دهد که گناه و قصور و جهل... در ساحت مقدس آن انوار باهره وجود فرض نماید؛ آن حضراتی که حتی جبرائیل امین در سرادقات کمال و قرب الهی آنان راه ندارد؛ بنابراین باید گفت این ویژگی در ادعیه ائمه(ع) ناشی از خصیصه ذاتی زبان دعا است.

سید الساجدین(ع) در دعای ابوحمزه فرمود: "فوعزتک یا سیدی لو انتهرتنی ما برحت من بآبک و لا کففت عن تملقک ... پس به عزتت قسم ای مولای من! اگر مرا از خود برانی از در خانه تو نخواهم رفت و از تملق گویی تو باز نخواهم ایستاد... سیدی أنا الصغیر الذی ربیته أنا جاهل الذی علمته و الخاطی الذی أقلته ... فمالی لا أبکی؟ أبکی... " (۱۵، ص: ۳۱۹).

"... هذا مقام من تداولته أیدی الذنوب و قاده أزمه الخطایا... این جایگاه کسی است که گناهان او را دست به دست گردانده و زمام خطایا او را به دنبال خود کشیده و شیطان بر او غالب شده لذا در برابر امر تو کوتاهی کرده است" (دعای ۳۱، ص: ۱۴۲).

"اللهم إنی أعتذر الیک من جهلی و أستوهبک سوء فعلی ... بار خدایا من از جهل و نادانی خویش از تو پوزش می‌طلبم و بخشایش افعال زشتم را از تو تقاضا دارم" (دعای ۳۱، ص: ۱۴۷).

"اللهم إنی أسألک سؤال من اشدت فاقته و ضعف قوته و کثرت ذنوبه، سؤال من لایجد لفاقته مغیثاً و لالضعفه مقویاً و لالذنبه غافراً غیرک..." (دعای ۴۵، ص: ۲۶۸).

"... فمثل بین یدیک متضرعاً... و لا ینجینی منک الا التضرع الیک و بین یدیک..." (دعای ۴۸، ص: ۲۴۴).

"... قد تری یا الهی فیض دمی من خیفکتک و وجیب قلبی من خشیتک و انتقاض جوارحی من هیبتک..." (دعای ۱۶، ص: ۸۲). "... یا الهی لو بکیت الیک حتی تسقط اشفار عینی..." (دعای ۱۶، ص: ۸۵).

۳. ۱۲. زبان دعا مبتنی بر اصرار و الحاح

از ویژگی‌های برجسته زبان دعا اصرار، الحاح و پافشاری در اعتراف، خواسته و خواستن است. این ویژگی بارز ریشه در حقیقت دعا و زبان آن دارد و از زبان دعا جدایی ناپذیر است. اصرار و الحاح یا در اعتراف به غنای مدعو است که خود نوعی تسبیح و تحمید مدعو است و یا در خواست و طلب است که خود عین انعکاس اشعه غنی در آینه فقیر است. در هر حال اصرار و الحاح، استمرار قوت بخشی به پیوند و انعکاس جمال خداوند در آینه وجودی انسان است و برای داعی مطلوب و لذت بخش است، لذا زبان دعا و آن وجه بیانی وجودی داعی در این حالت از اصرار و الحاح جدایی ناپذیر است.

از همین رو معصومین(ع) در تعالیم خود در باب دعا ما را به الحاح و اصرار در دعا فراخوانده و توصیه نموده‌اند و در سراسر صحیفه سجادیه این ویژگی مشاهده می‌شود. از رسول خدا(ص) روایت شده که: "ان الله یحب السائل اللوح" (۱۳، ج: ۲، ص: ۲۸۲). امام صادق(ع) فرمود: "ان الله عزوجل کره الحاح الناس بعضهم علی بعض فی المسأله و احب ذلک لنفسه، ان الله عزوجل یحب أن یسأل و یطلب ما عنده" (۱۶، ج: ۴، ص: ۲۲۴). راز تکرار پی در پی یک مضمون با عبارات مختلف در یک فقره یا فقرات متعدد در صحیفه سجادیه در همین ویژگی زبان دعا نهفته است. به عنوان نمونه سید الساجدین(ع) در دعایی می‌فرماید: "اللهم صل علی محمد و اله و کن لدعائی مجیباً و من ندائی قریباً و لتضرعی راحماً و لصوتی سامعاً..." (دعای ۱۳، ص: ۷۳). "... بل انا یا الهی اکثر ذنوباً..." (دعای ۱۶، ص: ۸۴).

۳. ۱۳. زبان دعا مبتنی بر اخلاص

زبان دعا هنگامی در انسان به بیان و سخن می‌نشیند که داعی فقط خداوند را بخواند و وجه فقر وجودی خود را فقط برابر وجه غنای پروردگار قرار دهد و به هیچ رو نظر به اسباب و وسایلی که به وهم و پندار علیت، سببیت یا مؤثریت برای آنها ثابت کرده‌ایم نداشته باشد. در حقیقت وقتی زبان دعا در افق علیت محض نظام ربوبی جاری شود و داعی و دعا حقیقی باشد نه مجازی، اخلاص قهراً رخ می‌نماید، بنابراین آن که در حین دعا اخلاص ندارد و به ریا نشسته و یا به غیر خدا نظر دوخته به مجاز به دعا نشسته است و خداوند وعده اجابت قطعی داعی به معنی حقیقی داده است و نه دعای مجازی. امام صادق(ع) در جواب

عده‌ای که خدمت ایشان عرضه داشتند که چرا دعایمان مستجاب نمی‌شود؟ فرمود: "لأنکم تدعون من لاتعرفون و تسألون ما لاتفهمون" (۱۴، ج: ۱، ص: ۲۰۴).
سید الساجدین (ع) از این حقیقت چنین سخن می‌گوید: "اللهم إني أخلصت بانقطاعي اليك و اقبلت بكلي عليك و صرفت وجهي عمّن يحتاج الي رفدك ... بار خدایا، با گسستن از دیگران خالصانه به تو پیوستم و با تمام وجودم به تو روی آوردم و از کسی که محتاج بخشش توست روی برگرفتم..." (دعای ۲۸، ص: ۱۳۷).

۴. نتیجه گیری

از آن چه گذشت نکات زیر را می‌توان به عنوان مهم‌ترین نتایج تحقیق عنوان نمود.
۱- زبان دعا زبان مشترک آدمیان است و منشأ فطری دارد و می‌تواند محور وحدت انسان‌ها و بستر گفتگوی تمدن‌ها و ادیان قرار گیرد.
۲- زبان دعا غیر از زبان عرفی و زبان سر است بلکه وجه بیانی وجود انسانی است، لذا وضع در زبان دعا راه ندارد و قواعد حاکم بر زبان عرفی بر آن حاکم نیست، البته زبان سر می‌تواند ترجمان زبان دعا بشود.
۳- در دعای حقیقی زبان دعا وجود دارد و چنانچه زبان دعا در وجود داعی به بیان در نیاید، داعی و دعا مجازی است و نه تنها لذت‌آور نیست بلکه قابلیت استجاب ندارد زیرا خداوند وعده قطعی استجاب دعای حقیقی داده است.
۴- زبان دعا داری ویژگی‌هایی است که ریشه در حقیقت آن دارد. همین ویژگی‌ها زبان دعا را از سایر زبان‌ها ممتاز می‌کند و آن را به زبان عرفان نزدیک می‌سازد.
۵- ادعیه پیشوایان دینی به ویژه دین اسلام به خصوص صحیفه سجاده و تحلیل دعاها و آنان ویژگی‌های زبان دعا را به دست می‌دهند. این ویژگی‌ها راه را برای شناخت بیشتر حقیقت زبان دعا هموار می‌نمایند.

یادداشت‌ها

۱. برای نمونه چند فقره از کلمات اولیای الهی ذکر می‌گردد. "... فهو الحقیقه و الباقی شئونه و هو الذات و غیره اسمائه و نعوته و هو الاصل و ماسواه اطواره و فروعیه..." (۸، ص: ۵).

"... و ثبت انه بذاته فیاض و بحقیقته ساطع و بهویته منور للسموات و الارض ... و هو الاصل و ماسواه اطواره و شئونه و هو الموجود و ما ورائه جهاته و حیثیاته ..." (۹، ج: ۲، ص: ۳۰۰).

"... اعلم ان المقول عليه سوى الحق أو مسمى العالم هو بالنسبه الى الحق كالظل للشخص و هو ظل الله ... " (۱، ص: ۱۰۱).

"عارف در سیر بالله جمیع کثرات را قایم به وجود واحد می‌بیند و سریان وجود مطلق در کونین، هم‌چون سریان واحد در اعداد است، چه کثرات مراتب اعداد جز تکرار واحد نیست و وجود واحد (خداوند) با مراتب کثرات در تنوعات ظهور به عینه هم‌چون نسبت واحد با مراتب عدد است (۱۸، ص: ۷۵).

منابع

- ۱- ابن عربی، محی‌الدین، (۱۴۰۰ق)، *فصوص الحکم*، تعلیق ابوالعلا عقیفی؛ بیروت: دارالکتب العربی.
- ۲- تهرانی، جواد، (۱۳۶۹)، *عارف و صوفی چه می‌گویند*، تهران: بنیاد بعثت.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۶۴)، *مبدأ و معاد*، قم: انتشارات الزهراء.
- ۴- حائری، سید مهدی، (۱۳۸۰)، *دایره المعارف تشیع*، ج: ۷، تهران: نشر شهید محبی.
- ۵- خراسانی، محمد کاظم، (۱۴۱۲ق)، *کفایه الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۶- شعرانی، ابوالحسن، (بی تا)، *صحیفه سجادیه*، ترجمه و شرح شعرانی، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- ۷- *صحیفه سجادیه*، (۱۳۷۹)، ترجمه علی شیروانی، قم: دارالفکر.
- ۸- صدرالمألهین، محمدبن ابراهیم، (۱۳۶۰)، *الشواهد الربوبیه*، تعلیق و تصحیح آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹- _____، (۱۹۸۱م)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۱۰- طباطبائی، محمد حسن، (۱۳۹۳ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه العلمی.
- ۱۱- _____، (۱۳۶۳)، *نهایه الحکمه*، قم: انتشارات دارالتبلیغ.
- ۱۲- فعال عراقی، حسین، (۱۳۷۸)، *داستان‌های قرآن و تاریخ انبیا در المیزان*، تهران: نشر سبحان.

-
- ۱۳- فیض، محسن، (۱۳۸۳ق)، *المحججه البيضاء*، ۸ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۴- _____ (۱۳۹۹ق)، *تفسیر الصافی*، مشهد: دارالمرتضی للنشر.
- ۱۵- قمی، عباس، (۱۳۷۸)، *مفاتیح الجنان*، تهران: انتشارات حر.
- ۱۶- کلینی، محمد ابن یعقوب، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، ۴ جلدی، تهران: نشر اهل البيت.
- ۱۷- لاهیجی، عبدالرزاق، (۱۳۶۵)، *گوهر مراد*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۱۸- لاهیجی، محمد، (۱۳۶۸)، *مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز*، تهران: کتابفروشی محمودی.
- ۱۹- مجلسی، علامه محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- ۲۰- نائینی، میرزا محمد حسین، (۱۴۱۲ق)، *فوائد الاصول*، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- ۲۱- *نهج البلاغه*، (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر روح.